

## فصل ۵

# ادبیات انقلاب اسلامی

### تحلیل فصل و گونه‌شناسی:

مقصود از «ادبیات انقلاب اسلامی»، سروده‌ها و نوشته‌هایی هستند که از سال ۱۳۵۷ تاکنون آفریده شده‌اند و درونمایه آنها از فرهنگ اسلامی، قیام امام حسین (ع)، اندیشه‌های امام خمینی (ره) و فضای فرهنگی، معنوی و شور و نشاط انقلابی جامعه، تأثیر پذیرفته است. این گونه آثار، تصویری از تحولات فکری \_ فرهنگی جامعه معاصر را به دست می‌دهند.

نمونه‌های شعر و نثری که در این فصل می‌خوانیم، فضای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و منش انقلابی جامعه ایران پس از انقلاب اسلامی را وصف می‌کنند.

## درس دهم: دریادلان صفشکن

نوع ادبی: ادبیات انقلاب اسلامی / محتوا: وصف دلاوری رزمندگان اسلام در جنگ تحمیلی و برتری ایمان و اراده بر وسایل جنگی

### غروب روز بیستم بهمن ۱۳۶۴ حاشیهٔ اروندرود

۱) تو گویی: انگار، پنداری (قید شک و تردید) / ۲) تقدیر: سرنوشت، (تقدیر تاریخی: سرنوشت قطعی و حتمی) / ۳) زمین: مجاز از مردم روی زمین / ۴) حاشیه: کناره، ساحل / ۵) اروندرود: رودی در جنوب ایران که به خلیج فارس می‌ریزد. (تو گویی تقدیر تاریخی زمین در حاشیه اروندرود جاری می‌گردد: انگار سرنوشت تاریخی کرهٔ زمین در کناره همین اروندرود مشخص می‌شود) / ۶) مگر به راستی جز این است؟: قطعا همین است؛ پرسش انکاری / ۷) مشیت\*: اراده، خواست خدای تعالی / ۸) باری تعالی\*: خداوند بزرگ / ۹) به انجام می‌رسد: به پایان می‌رسد؛ شکل می‌گیرد. (تاریخ مشیت باری تعالی است که از طریق انسانها به انجام می‌رسد: تاریخ همان خواست و اراده خداوند بلندمرتبه است که از طریق انسانها شکل می‌گیرد) / ۱۰) فردا: مجاز از آینده / ۱۱) تحقق می‌یابد: به حقیقت می‌پیوندد، شکل می‌گیرد. / ۱۲) بچه‌ها: مجاز از رزمندگان / ۱۳) اشتیاق: ذوق و شوق، میل / ۱۴) قلب: دل، میانه لشکر، مرکز سپاه / ۱۵) بتازند: حمله کنند.

**غروب نزدیک می‌شود و تو گویی 'تقدیر' تاریخی زمین 'در حاشیه' اروندرود جاری می‌گردد و مگر به راستی جز این است؟<sup>۶</sup> تاریخ، 'مشیت' باری تعالی<sup>۸</sup> است که از طریق انسانها به انجام می‌رسد<sup>۹</sup> و تاریخ فردای<sup>۱۰</sup> کرهٔ زمین به وسیلهٔ این جوانان تحقق می‌یابد<sup>۱۱</sup>! همین بچه‌هایی<sup>۱۲</sup> که اکنون در حاشیهٔ اروندرود گرد آمده‌اند و با اشتیاق<sup>۱۳</sup> منتظر شب هستند تا به قلب<sup>۱۴</sup> دشمن بتازند<sup>۱۵</sup>.**

**مفهوم:** مهم بودن جنگ کنار اروندرود (جنگ ایران و عراق) برای آیندهٔ بشر / تقدیر الهی همهٔ اتفاقات جهان را رقم می‌زند.

۱) بچه‌ها: مجاز از رزمندگان و نیروها / ۲) مسلح: دارای سلاح، مجهز / ۳) جلیقه: نیم‌تنهٔ کوتاه بدون آستین که روی پیراهن می‌پوشند. / ۴) زائر: زیارت‌کننده / ۵) وسواس\*: دودلی [دقت] / ۶) می‌کاوند: جست‌وجو می‌کنند. (با وسواس می‌کاوند: به دقت بررسی می‌کنند (کنایه)) / ۷) سراپا: مجاز از کل / ۸) محاسبه: واری، حساب‌رسی / ۹) وصیت‌نامه: نامه‌ای که در آن شخصی خواسته‌های خود را برای پس از مرگش می‌نویسد. / ۱۰) حق الله: حقی که خدا بر بنده دارد. / ۱۱) وای: شبه‌جمله در مفهوم اندوه و ناراحتی / ۱۲) حق الناس: حقی که مردم بر گردن یکدیگر دارند. (وای از حق الناس: حق الناس بسیار مهم است!) / ۱۳) لرزیدن دل: کنایه از نگران شدن؛ ناراحتی

**بچه‌ها، آماده و مسلح<sup>۲</sup>، با کوله‌پشتی و پتو و جلیقه‌های<sup>۳</sup> نجات، در میان نخلستان‌های حاشیهٔ اروندرود، آخرین ساعات روز را به سوی پایان خوش انتظار طی می‌کنند. بعضی‌ها وضو می‌گیرند و بعضی دیگر پیشانی‌بندهایی را که رویشان نوشته‌اند «زائران<sup>۴</sup> کربلا» بر پیشانی می‌بندند. بعضی دیگر از بچه‌ها گوشهٔ خلوتی یافته‌اند و گذشتهٔ خویش را با وسواس<sup>۵</sup> یک قاضی می‌کاوند<sup>۶</sup> و سراپای<sup>۷</sup> زندگی خویش را محاسبه<sup>۸</sup> می‌کنند و وصیت‌نامه<sup>۹</sup> می‌نویسند: «حق الله<sup>۱۰</sup> را خدا می‌بخشد اما وای<sup>۱۱</sup> از حق الناس!<sup>۱۲</sup>» و تو به ناگاه دلت می‌لرزد<sup>۱۳</sup>: آیا وصیت‌نامه‌ات را تنظیم کرده‌ای؟**

**معنی:** ... حق الله را خدا می‌بخشد؛ اما وای از حق الناس... و تو به ناگاه دلت می‌لرزد: خداوند از حق خودش می‌گذرد؛ اما ضایع کردن حق مردم بسیار مهم و خطرناک است (و با فکر کردن به این موضوع) انسان ناگهان نگران و آشفته می‌شود.

**مفهوم:** اهمیت حق الناس / حسابرسی از خود و اعمال خود

(۱) **جهاد:** جهاد سازندگی، از نهادهای اوایل انقلاب اسلامی (۲/ راست و ریس کردن\* : آماده و مهیا کردن [کنایه] / ۳/ سکان\* : ایزاری در دنباله کشتی برای حرکت دادن کشتی از سمتی به سمت دیگر [سکان دار: ناخدا، کسی که مسئول هدایت قایق و کشتی است.] / ۴/ وارسی: بررسی، بازرسی / ۵/ طرز: شیوه و روش / ۶/ ماسک: روی بند، نقاب؛ اینجا منظور ماسکی است که برای جلوگیری از بمبهای شیمیایی استفاده می شود

از یک طرف، بچه های مهندسی جهاد، آخرین کارهای مانده را راست و ریس می کنند و از طرف دیگر سکان دارها<sup>۳</sup> قایق هایشان را می شویند و با دقتی عجیب همه چیز را وارسی<sup>۴</sup> می کنند... راستی تو طرز<sup>۵</sup> استفاده از ماسک<sup>۶</sup> را بلدی؟

(۱) **شناور:** نوعی قایق، وسیله ای که روی آب حرکت می کند. / ۲/ محض: خالص، اینجا یعنی هم زمان با، بلافاصله بعد از / ۳/ خطوط مقدم: مرز، جلوترین منطقه نبرد با دشمن / ۴/ تکلف\* : رنج بر خود نهادن، خودنمایی و تجمل (بی تکلف\* : بی ریا، صمیمی) / ۵/ متواضع: فروتن (تواضع: فروتنی) / ۶/ گنجینه: خزانه، جای نگاه داشتن گنج و اشیای قیمتی [تو گویی اشیای گنجینه هایی از رازهای شگفت خلقت هستند؛ اما تو تا به حال در نمی یافته ای: انگار اشیای گنجینه های از رازهای شگفت انگیز آفرینش هستند که انسان (تا هنگام نیامدن به جبهه) این موضوع را درک نمی کرده است.] ( تشبیه: اشیای گنجینه )

وسایل سنگین راه سازی را بار شناورها<sup>۱</sup> کرده اند تا به محض<sup>۲</sup> شکستن خطوط مقدم<sup>۳</sup> دشمن، آنها را به آن سوی رودخانه ا روند حمل کنند و بچه ها نیز همان بچه های صمیمی و بی تکلف<sup>۴</sup> و متواضع<sup>۵</sup> و ساده ای هستند که همیشه در مسجد و نماز جمعه و محل کارت و اینجا و آنجا می بینی... اما در اینجا و در این ساعات، همه چیزهای معمولی حقیقتی دیگر می یابند. تو گویی اشیای گنجینه-هایی<sup>۶</sup> از رازهای شگفت خلقت هستند، اما تو تا به حال در نمی یافته ای.

**مفهوم:** هر پدیده ای نشانی از خداست / چشم ها را باید شست. /

(۱) **صفا:** پاکی، روشنی / ۲/ ولی<sup>۲</sup> امر: رهبر، حاکم مسلمین، سرپرست جامعه / ۳/ طلبه: دانشجوی علوم دینی

در اینجا و در این لحظات، دل ها آن چنان صفایی<sup>۱</sup> می یابند که وصف آن ممکن نیست. آن روستایی جوانی که گندم و برنج و خربزه می کاشته است، امشب سربازی است در خدمت ولی<sup>۲</sup> امر<sup>۲</sup>. به راستی آیا می خواهی سربازان رسول الله (ص)، را بشناسی؟ بیا و بین آن رزمنده، کشاورز است و این یک طلبه<sup>۳</sup> است و آن دیگری در یک مغازه گمنام، در یکی از خیابان های دورافتاده مشهد لیبیات فروشی دارد و به راستی آن چیست که همه ما را در اینجا، در این نخلستان ها گرد آورده است؟ تو خود جواب را می دانی: عشق.

**مفاهیم:** لزوم اطاعت از ولی امر / عشق موجب حرکت و جنبش است.

(۱) **سوله\*:** ساختمان فلزی با سقف بلند که بیشتر به عنوان انبار و کارگاه از آن استفاده می شود. / ۲/ گردان: واحد نظامی، شامل سه گروهان (حدود ۱۲۰۰ نفر) / ۳/ عملیات: اقدام نظامی علیه دشمن / ۴/ دریادل: کنایه از شجاع و قوی، منظور رزمندگان دلاور (تشبیه درون واژه ای دارد) / ۵/ صف شکن: برهم زننده صف دشمنان، کنایه از بسیار شجاع / ۶/ شیطان: ایهام دارد: ۱. شیطان ۲. استعاره از دشمن / ۷/ رعب\* : ترس، دلهره، هراس [دریادلان صف شکنی هستند که دل شیطان را از رعب و وحشت می لرزانند: رزمندگان شجاع و دلاوری هستند که شیطان (دشمن) را به وحشت می اندازند.] / ۸/ قوه: نیرو و توان / ۹/ یار: توانایی، جرئت / ۱۰/ ایستایی: ایستادگی و مقاومت /

اینجا سوله ای<sup>۱</sup> است که گردان<sup>۲</sup> عبدالله آخرین لحظات قبل از شروع عملیات<sup>۳</sup> را در آن می گذرانند. اینها که یکدیگر را در آغوش گرفته اند و اشک می ریزند، دریادلان<sup>۴</sup> صف شکنی<sup>۵</sup> هستند که دل شیطان<sup>۶</sup> را از رعب<sup>۷</sup> و وحشت می لرزانند و در برابر قوه<sup>۸</sup> الهی آنان هیچ قدرتی یارای<sup>۹</sup> ایستایی<sup>۱۰</sup> ندارد.

**مفهوم:** قدرت رزمندگان ایرانی از خداست. / برتری قدرت الهی بر سایر قدرتها

۱) تجلی\*: آشکار شدن، جلوه کردن [اینجا آینه تجلی همه تاریخ است: اینجا(میدان جنگ) مثل آینه‌ای است که کل تاریخ بشری را نشان می‌دهد].  
۲) بدر: نام اولین غزوه پیامبر با مشرکین مکه / ۳) حنین\*: نام نبردی است در منطقه حنین(بین مکه و طائف) که میان مسلمانان و کافران پس از فتح مکه روی داد.

**ساعتی بیش به شروع حمله نموده است و اینجا آینه تجلی همه تاریخ است. چه می‌جویی؟ عشق؟ همین جاست. چه می‌جویی؟ انسان؟ اینجا جاست. همه تاریخ اینجا حاضر است؛ بدر<sup>۲</sup> و حنین<sup>۳</sup> و عاشورا اینجا جاست.**

**آرایه و دستور:** تشبیه: میدان جنگ به آینه / مراعات نظیر: بدر و حنین و عاشورا / تلمیح: اشاره به جنگهای صدر اسلام  
**مفهوم:** جبهه نمایانگر کل تاریخ است / رزمندگان ایران مثل رزمندگان صدر اسلام عاشقانه از اسلام و آرمانهای اسلامی محافظت می‌کردند.

### صبح روز بیست و یکم بهمن ماه کناره اروند

۱) فضا: محیط، منطقه / ۲) آکنده: پُر، انباشته / ۳) آفتاب فتح در آسمان سینه مومنین درخششی عجیب دارد: رزمندگان مسلمان از پیروزی خود بسیار شادمان هستند / ۴) خطوط دفاعی دشمن یکسره فروریخت: دشمن کاملاً شکست خورد (کنایه) / ۵) غواص: فرورونده در دریا / ۶) فرج: گشایش در کار، دعای مخصوص امام زمان (عج) / ۷) توسل: به کسی پناه آوردن، دست به دامن کسی شدن / ۸) مرضیه: پسندیده، لقب حضرت زهرا / ۹) به آب زدند: وارد رودخانه شدند (کنایه) / ۱۰) خط: صف، محل برخورد نیروهای دو طرف جنگ (خط را گشودند: راه حمله را باز کردند(دو کنایه)) / ۱۱) خیل: گروه / ۱۲) طویل: طولانی / ۱۳) تازه نفس: کنایه از توانمند و سرحال / ۱۴) فتح: پیروزی / ۱۵) فتوحات: پیروزی‌ها، جمع فتح / ۱۶) خط مقدم: جلوترین منطقه درگیری با دشمن / ۱۷) خط شکن: نیروهایی که ابتدا به دشمن حمله می‌کنند تا راه حمله باز شود / ۱۸) فاتحانه: پیروزمندانه / ۱۹) تحولات: دگرگونی‌ها (عظیم‌ترین تحولات تاریخ بشر: منظور جنگ ایران با دشمن و دلاوریها و ایثارگری‌های رزمندگان است.) / ۲۰) سردمدار\*: سردسته، رئیس / ۲۱) نسیان\*: فراموشی / ۲۲) غفلت: بی‌خبری / ۲۳) زیست: زندگی /

**هنوز فضا<sup>۱</sup> از نم باران آکنده<sup>۲</sup> است، اما آفتاب فتح در آسمان سینه مومنین درخششی عجیب دارد<sup>۳</sup>. دیشب در همان ساعات اولیه عملیات، خطوط دفاعی دشمن یکسره فروریخت<sup>۴</sup>. پیش از همه غواص<sup>۵</sup>ها در سکوت شب، بعد از خواندن دعای فرج<sup>۶</sup> و توسل<sup>۷</sup> به حضرت زهرا<sup>۸</sup> مرضیه<sup>۸</sup>(س)، به آب زدند<sup>۹</sup> و خط<sup>۱۰</sup> را گشودند و آن گاه خیل<sup>۱۱</sup> قایق‌ها و شناورها به آن سوی اروند روان شدند. صف طویل<sup>۱۲</sup> رزمندگان تازه نفس<sup>۱۳</sup>، با آرامش و اطمینانی که حاصل ایمان است، وسعت جبهه فتح<sup>۱۴</sup> را به سوی فتوحات<sup>۱۵</sup> آینده طی می‌کنند و خود را به خط مقدم<sup>۱۶</sup> می‌رسانند. گاه به گاه گروهی از خط شکن<sup>۱۷</sup>ها را می‌بینی که فاتحانه<sup>۱۸</sup>، اما با همان تواضع و سادگی همیشگی، بی‌غرور، بعد از شبی پر حادثه باز می‌گردند، و به‌راستی چقدر شگفت آور است که انسان در متن عظیم‌ترین تحولات<sup>۱۹</sup> تاریخ جهان و در میان سردمداران<sup>۲۰</sup> این تحول زندگی کند و از نسیان<sup>۲۱</sup> و غفلت<sup>۲۲</sup>، هرگز در نیابد که در کجا و در چه زمانی زیست<sup>۲۳</sup> می‌کند.**

**آرایه و دستور:** تشبیه: فتح به آفتاب و سینه به آسمان، / تلمیح: «آرامش و اطمینانی که حاصل ایمان است» به آیه «الا بذکرالله تطمئن القلوب» اشاره دارد. / جمله هسته و وابسته «هرگز در نیابد که در کجا و در چه زمانی زیست می‌کنم.» جمله هسته: هرگز در نیابد - جمله وابسته: در کجا و ...

**مفهوم:** شجاعت، دلاوری، تواضع و ایمان رزمندگان اسلام و غفلت بی‌خبری برخیزها از این همه اتفاقات مهم اطرافشان

۱) جزر و مد: پایین رفتن و بالا آمدن آب دریا (۲ / خور\*): زمین پست، شاخه‌ای از دریا مانند خورموسی و خورمیناب. (۳ / طلبه: دانشجوی علوم دینی، جمع طالب (در فارسی مفرد به کار می‌رود!) / ۴) نفوس\*: جمع نفس، جان‌ها (فضای نفوس را با یاد خدا معطر می‌کند: محیط را معنوی می‌کند، روح رزمندگان را با یاد خدا شاد و روشن می‌کند، کنایه) / ۵) صلوات: درود فرستادن بر پیامبر و اهل بیت او

آنها با اشتیاق از بین گل و لای که حاصل جزر و مد<sup>۱</sup> آب «خور»<sup>۲</sup> است، خود را به قایق‌ها می‌رسانند و ساحل را به سوی جبهه‌های فتح ترک می‌کنند. طلبه<sup>۳</sup> جوانی با یک بلندگوی دستی، همچون وجدان جمع، فضای نفوس<sup>۴</sup> را با یاد خدا معطر می‌کند و دائم از بچه‌ها صلوات<sup>۵</sup> می‌گیرد.

آرایه: تشبیه: طلبه جوان به وجدان جمع / تضاد: جزر و مد

دستور: جمله مرکب: آنها با اشتیاق از بین گل و لای که حاصل جزر و مد آب «خور» است، خود را به قایق‌ها می‌رسانند.

۱) جنود\*: ج جُند؛ سربازان، لشکریان، سپاهیان (۲ / متکی: وابسته (۳ / ماشین: مجاز از ابزارهای پیشرفته جنگی / ۴) هواپیماهای دشمن: مجاز از خلبانان و نظامیان داخل هواپیماهای دشمن (۵ / تلافی: جبران (۶ / معرکه\*: میدان جنگ (۷ / مجاهدان: جهادکنندگان، رزمندگان / ۸) حکومت داشتن آرامش: آرام بودن و اضطراب نداشتن (کنایه) (۹ / جوار: کنار (۱۰ / یک دست تو نیز هدیه راه خدا شود: یک دست تو در راه خدا قطع شود (کنایه) (۱۱ / اسوه\*: پیشوا، سرمشق، نمونه پیروی (۱۲ / تمثیل: سرمشق، نمونه، مثل (۱۳ / باک: ترس (چه باک؟: ترسی نیست؛ پرسش انکاری) / ۱۴) مبدا امام را تنها بگذاری!: از امام خمینی پیروی کنید و او را یاری نمایید.

دشمن در برابر ایمان جنود<sup>۱</sup> خدا متکی<sup>۲</sup> به ماشین پیچیده جنگ<sup>۳</sup> است. از همان نخستین ساعات فتح، هواپیماهای دشمن<sup>۴</sup> در پی تلافی<sup>۵</sup> شکست برمی‌آیند؛ حال آنکه در معرکه<sup>۶</sup> قلوب مجاهدان<sup>۷</sup> خدا، آرامشی که حاصل ایمان است، حکومت دارد<sup>۸</sup>. دشمن حیرت زده است که چگونه ممکن است کسی از مرگ نهراسد؟! کجا از مرگ می‌هراسد آن کسی که به جاودانگی روح خویش در جوار<sup>۹</sup> رحمت حق آگاه است؟ و این چنین اگر یک دست تو نیز هدیه راه خدا شود<sup>۱۰</sup>، باز هم با آن دست دیگری که باقی است، به جبهه‌ها می‌شتابی. وقتی «اسوه<sup>۱۱</sup>» تو آن «تمثیل<sup>۱۲</sup> وفاداری»، عباس بن علی (ع) باشد، چه باک<sup>۱۳</sup> اگر هر دو دست تو نیز هدیه راه خدا شود؟ اینها که نوشته‌ام، وصف حال رزمندگانی است که با یک دست و یک آستین خالی، در کنار «خور» ایستاده‌است. تفنگ دوربین‌دارش نشان می‌دهد که تک‌تیرانداز است و آن آستین خالی‌اش، که با باد این سوی و آن سوی می‌شود، نشانه مردانگی است و اینکه او به عهدی که با ابوالفضل (ع) بسته، وفادار است. چیست آن عهد؟: «مبدا امام را تنها بگذاری!»<sup>۱۴</sup>.

آرایه: تشبیه: قلوب رزمندگان به معرکه / تلمیح: حکومت داشتن آرامش به آیه «الا بذكر الله تطمئن القلوب» اشاره دارد و نیز در متن به رشادتهای حضرت عباس (ع) در واقعه کربلا اشاره شده است.

مفهوم: برتری ایمان بر وسایل پیشرفته جنگی / مؤمنان از مرگ نمی‌هراسند / الگوی رزمندگان ایرانی بزرگانی مثل حضرت عباس (ع) هستند /

۱) دشمن برده ماشین است و تو ماشین را در خدمت ایمان کشیده‌ای: دشمن به ابزار پیشرفته خود دل بسته و امیدوار است؛ اما رزمندگان اسلام به نیروی ایمان تکیه کرده‌اند (کنایه) / ۲) آتش: مجاز از تیراندازی و بمباران / ۳) بولدوزرچی: راننده بولدوزر / ۴) جهاد: جهاد سازندگی، یکی از نهادهای اول انقلاب / ۵) خاکریز: تپه‌ای از خاک که برای پناه گرفتن در برابر حملات دشمن ساخته می‌شود. / ۶) کوهی از آهن: استعاره از بولدوزر / ۷) تفهیم: فهماندن / ۸) انس گرفتن با خاک: دوستی با خاک، کنایه از تواضع و فروتنی / ۹) مظهر: نماد، نشانه، / ۱۰) غنا: توانگری، بی‌نیازی [خاک مظهر فقر مخلوق در برابر غنای خالق است: خاک نشانه نیاز بندگان در برابر بی‌نیازی خداوند است.] / ۱۱) پیشانی بر خاک می‌گذاری: با خاک سجده می‌کنی (کنایه) / ۱۲) انس: دوستی، خو گرفتن (تا با خاک انس‌گیری: متواضع و فروتن نباشی، کنایه) / ۱۳) مراتب: جمع مرتبه؛ درجه‌ها، مراحل / ۱۴) قرب: نزدیکی به خداوند (تا با خاک انس‌گیری راهی به مراتب قرب ندار: تا زمانی که متواضع و فروتن نباشی نمی‌توانی به خدا نزدیک شوی) /

**در خط، درگیری با دشمن ادامه دارد. دشمن، برده ماشین است و تو ماشین را در خدمت ایمان کشیده‌ای!**

در زیر آن آتش<sup>۲</sup> شدید، بولدوزرچی<sup>۳</sup> جهاد<sup>۴</sup> خاکریز<sup>۵</sup> می‌زند. بر کوهی از آهن<sup>۶</sup> نشسته است و کوهی از خاک را جابه‌جا می‌کند و معنای خاکریز هم آن گاه تفهیم<sup>۷</sup> می‌شود که در میان یک دشت باز گرفتار آتش دشمن باشی. یک رزمنده روستایی فریمانی در میان خاک نشسته است و با یک بیل دستی برای خود سنگری می‌سازد. آنها چه انسی با خاک گرفته‌اند<sup>۸</sup> و خاک، مظهر فقر مخلوق در برابر غنای<sup>۱۰</sup> خالق است. معنای آنکه در نماز پیشانی بر خاک می‌گذاری<sup>۱۱</sup>، همین است و تا با خاک انس<sup>۱۲</sup>‌گیری، راهی به مراتب<sup>۱۳</sup> قرب<sup>۱۴</sup> نداری.

**مفهوم:** برتری ایمان بر ابزار پیشرفته جنگی / فروتنی و تواضع راه رسیدن به خداست.

**آرایه:** تشخیص: برده ماشین بودن / تضاد: فقر و غنا؛ مخلوق و خالق / اغراق: بر کوهی از آهن نشستن، کوهی از خاک را جابه‌جا کردن / تشبیه: دشمن به برده، کوهی از آهن، کوهی از خاک / مراعات نظیر: خط، دشمن، آتش، خاکریز و ...

۱) فشردن دست: کنایه از دوستی و محبت کردن / ۲) شانه‌های پهن: کنایه از قدرت و مردانگی / ۳) بوسه زدن: کنایه از احترام و تقدیر / ۴) علم: پرچم (علمداران: پرچمداران، پیشروان) / ۵) بنیان: بنیاد، پایه، اساس

برو به آنها سلام کن؛ دستشان را بفشار<sup>۱</sup> و بر شانه پهنشان<sup>۲</sup> بوسه بز<sup>۳</sup>. آنها مجاهدان راه خدا و علمداران<sup>۴</sup> آن تحول عظیمی هستند که انسان امروز را از بنیان<sup>۵</sup> تغییر می‌دهد. آنها تاریخ آینده بشریت را می‌سازند و آینده بشریت، آینده الهی است.

**مرتضی آوینی / به نقل از مجله ادبیات داستانی**

**مفهوم:** تقدیر از رزمندگان اسلام / رزمندگان اسلام آینده جهان را تعیین می‌کنند / آینده بشریت الهی است /



## کارگاه متن پژوهی - درس دهم

### قلمرو زبانی

#### ۱. پنج گروه کلمه مهم املائی از متن درس بیابید و بنویسید.

**پاسخ:** نسیان و غفلت، مشیت باری تعالی، جزر و مدّ آب، مظهر فقر، غنای خالق، معركة قلوب، رعب و وحشت

#### ۲. مترادف واژه‌های زیر را از متن درس بیابید.

فراموشی: ..... نسیان / بی‌ریا و صمیمی: ..... بی‌تکلف

#### ۳. به جمله‌های زیر توجه کنید.

الف) خطوط دفاعی دشمن یکسره فرو ریخت.

ب) آنها تاریخ آینده بشریت را می‌سازند و آینده بشریت، آینده الهی است.

پ) اینها دریادلان صف‌شکنی هستند که دل شیطان را از رعب و وحشت می‌لرزانند.

به جمله «الف» که یک فعل دارد، «ساده» می‌گویند.

در نمونه دوم، دو جمله به کمک حرف پیوند «و» در کنار هم قرار گرفته‌اند؛ «و» مهم‌ترین و پرکاربردترین پیوند هم‌پایه‌ساز در زبان فارسی است؛ بدین معنا که اگر میان دو جمله بیاید، آنها را در یک ویژگی، «هم‌پایه» می‌سازد؛ مثل کارکرد آن در نمونه «ب»؛ همان‌طور که می‌بینید «و» دو جمله ساده را به هم پیوند داده و آنها را از نظر مستقل بودن، هم‌پایه قرار داده است.

پیوندهای هم‌پایه‌ساز عبارت‌اند از «و، امّا، ولی، یا، ...»

جمله «پ» شامل دو جمله است که از نظر معنایی به یکدیگر وابسته‌اند؛ به طوری که یکی از جمله‌ها بدون دیگری ناقص است؛ به همین دلیل جمله «پ» را جمله «مرکّب» می‌نامیم.

حرف «که» پیوند وابسته‌ساز است و جمله دوم را به جمله وابسته تبدیل کرده است.

جمله مرکّب، معمولاً از یک جمله پایه (هسته) و یک یا چند جمله پیرو (وابسته) تشکیل می‌شود؛ بخشی که پیوند وابسته‌ساز ندارد، «پایه» است.

پیوندهای وابسته‌ساز عبارت‌اند از: «که، تا، چون، اگر، زیرا، به طوری که، هنگامی که و ...»

جمله «پ» را از این دید بررسی می‌کنیم:

– جمله پایه یا هسته: اینها دریادلان صف‌شکنی هستند

– جمله پیرو یا وابسته: که (پیوند وابسته‌ساز) دل شیطان را از رعب یا وحشت می‌لرزانند.

■ حال از متن درس برای هر یک از انواع جمله، نمونه‌ای بیابید و بنویسید.

جمله ساده: بچه‌های مهندسی جهاد آخرین کارهای مانده را راست و ریس می‌کنند.

جمله‌های هم‌پایه: دستشان را بفشار و بر شانه پهنشان بوسه بزن. (دو جمله مستقل هم‌پایه)

جمله مرکّب: معنای خاکریز هم آن گاه تفهیم می‌شود که در میان یک دشت باز گرفتار آتش دشمن باشی.

## قلمرو ادبی

### ۱. هر قسمت مشخص شده، در بردارنده کدام آرایه ادبی است؟

**حسرت نبرم به خواب آن مرداب**      **کارام درون دشت شب خفته است**

**پاسخ:** مرداب: تشخیص و نماد ایستایی و بی‌حرکی، نماد انسانهای بی‌خیال و ناآگاه و بی‌تحرک / دشت شب: تشبیه شب به دشت (اضافه تشبیهی)

### ۲. در عبارت زیر، ارکان هر تشبیه را مشخص کنید.

«آفتاب فتح در آسمان سینه مؤمنین در خشکی عجیب دارد.»

**پاسخ:** آفتاب فتح: فتح: مشبه - آفتاب: مشبه به - وجه شبه: درخشش داشتن / آسمان سینه: سینه: مشبه - آسمان: مشبه به

## قلمرو فکری

### ۱. نویسنده در کدام جمله، از مفهوم آیه «الَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (سوره رعد، آیه ۲۸) بهره گرفته است؟

**پاسخ:** در معرکه قلوب مجاهدان خدا، آرامشی که حاصل ایمان است، حکومت دارد / صف طویل رزمندگان تازه نفس، با آرامش و اطمینانی که حاصل

ایمان است، وسعت جبهه فتح را به سوی فتوحات آینده طی می‌کنند

### ۲. درباره ارتباط محتوایی متن «دریادلان صف شکن» و این سروده شفیعی کدکنی توضیح دهید.

**حسرت نبرم به خواب آن مرداب**      **کارام درون دشت شب خفته است**

**دریایم و نیست باکم از طوفان**      **دریا همه عمر خوابش آشفته است**

**تحلیل:** حسرت: دریغ، افسوس / مرداب: برکه، آبگیر، نماد انسانهای سست و کاهل / شب: نماد جامعه پر از ظلم و خفقان / دریا: نماد انسانهای شجاع و تلاشگر

/ باک: ترس، بیم / طوفان: باد یا باران شدید که همراه با خرابی است، (توفان: توفنده، غرنده، شور و غوغا کننده) / آشفته: پریشان، شوریده و درهم / تشخیص:

خواب داشتن مرداب و دریا / تشبیه: شب به دشت و شاعر به دریا / تضاد: آرام و آشفته؛ مرداب و دریا / تکرار: دریا / تناسب: خواب و شب؛ دریا و طوفان

**معنی:** من به آرامش مرداب (انسان سست و کاهلی) که در درون دشت تاریک (جامعه پر از ظلم و خفقان) آسوده خوابیده است افسوس نمی‌خورم. چون من مانند

دریا در تمام عمر در تلاش هستم و از طوفان و سختی‌های آن ترسی ندارم.

**مفهوم:** توصیه به تلاش و پویایی و دوری از سکوت و سکون و بی‌خیالی - سرزنش راحت طلبی و تن‌آسانی

**ارتباط محتوایی:** در هر دو روح شجاعت و بی‌باکی دیده می‌شود و هر دو بر تحرک و پویایی توصیه و از ایستایی و بی‌خیالی پرهیز می‌کنند.

### ۳. چرا نویسنده معتقد است که «همه تاریخ اینجا (جبهه) حاضر است؛ بدر و حنین و عاشورا اینجا است.»؟

**پاسخ:** به اعتقاد نویسنده رزمندگان ایرانی مثل رزمندگان صدر اسلام برای حفظ و نجات اسلام با عشق و اخلاص و فداکاری با دشمن مبارزه می‌کنند.

## گروه‌های مهم املائی

تقدیر تاریخی - حاشیه ارون درود - مشیت باری تعالی - آماده و مسلح - جلیقه نجات - زائران کربلا - وسواس یک قاضی

- محاسبه و حساب‌رسی - وصیت‌نامه - راست و ریس و مهیا - به محض شکستن خطوط مقدم - صمیمی و بی‌تکلف و

متواضع - سوله و ساختمان - دریادلان صف‌شکن - رعب و وحشت - حنین و عاشورا - سگان دار و عواص - توئل به

حضرت زهرای مرضیه - صف طویل - طی کردن وسعت جبهه فتح - عظیم‌ترین تحولات - نسیان و غفلت - جزر و مد آب

خور - فضای نفوس - تلافی و جبران - معرکه قلوب - أسوه و تمثیل - عباس بن علی - بولدورچی جهاد - خاکریز و سنگر

- مظهر فقر مخلوق - غنای خالق - مراتب قرب - تغییر بنیادی - حسرت و افسوس - باک از طوفان



## درس دهم: گنج حکمت (یک گام، فراتر)

۱) شیخ: پیر، مرشد، رهبر، اینجا منظور شیخ ابوسعید ابی‌الخیر (۲) است دعا\*: درخواست کردن، خواهش کردن (۳) مجلس: سخنرانی (۴) اجابت کردن\*: پذیرفتن، قبول کردن، پاسخ دادن

شیخ<sup>۱</sup> یک بار به طوس رسید. مردمان از شیخ استدعای<sup>۲</sup> مجلس<sup>۳</sup> کردند. اجابت کرد<sup>۴</sup>.

۱) خانقاه\*: محلی که درویشان و مرشدان در آن گرد می‌آیند (۲) تخت: منظور منبر (۳) مُقربان\*: جمع مُقرب، کسی که آیات قرآن را به آواز خواند، قرآن‌خوانان (۴) درآمدن: داخل شدن، وارد شدن

بامداد در خانقاه، تخت<sup>۲</sup> بنهادند. مردم می‌آمدند و می‌نشستند. چون شیخ بیرون آمد، مُقربان<sup>۳</sup>، قرآن برخواندند و مردم بسیار درآمدند<sup>۴</sup>. چنانکه هیچ جای نبود.

۱) معرف\*: کسی که در مجمع بزرگان، افرادی را که به مجلس وارد می‌شوند، معرفی می‌کند؛ شناساننده [مجرى] (۲) پیامرزا: پیامرزد (فعل دعایی) (۳) فراتر: جلوتر، پیش‌تر

معرف<sup>۱</sup> بر پای خاست و گفت: «خدایش پیامرزا<sup>۲</sup> که هر کسی از آنجا که هست، یک گام، فراتر<sup>۳</sup> آید.»

۱) و صلی الله علی محمد و آله اجمعین: «خداوند بر محمد و همه خاندانش درود بفرستد.» (۲) دست به روی فرو آورد: (به نشانه ختم جلسه) دست به صورتش کشید (۳) یک قدم: مجاز از مقدار کم (۴) فراتر آمدن: جلوتر آمدن (۵) فروآمد: پایین آمد (۶) ختم کرد: پایان داد

شیخ گفت: «وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ» و دست به روی فرو آورد<sup>۲</sup> و گفت: «هر چه ما خواستیم گفت، و همه پیغمبران بگفته‌اند؛ او بگفت که از آنچه هستید، یک قدم<sup>۳</sup> فراتر<sup>۴</sup> آید.» کلمه‌ای نگفت و از تخت فرو آمد<sup>۵</sup> و بر این ختم کرد<sup>۶</sup> مجلس را.

### اسرار التوحید، محمد بن منور

آرایه و دستور: نوع ترکیب «همه پیامبران»: وصفی (صفت مبهم + هسته) / زمان فعل «بگفته‌اند»: ماضی نقلی (گفته‌اند) مفهوم: خلاصه تعالیم همه انبیا و اولیا و بزرگان پیشرفت و تعالی انسان است - تلاش برای پیشرفت و کمال‌گرایی؛ حتی به اندازه اندک

### گروه‌های مهم املائی

استدعای مجلس - قبول و اجابت - خانقاه شیخ - مُقربان و قرآن‌خوانان - معرف برپای خاست -